

در محله

ساکنان محله نظامی گنجوی، فیلتر جمع آوری کردند و درخت کاشتند

هر فیلتر سیگار ره‌اشده در محیط‌زیست می‌تواند یک مترمکعب آب را آلوده کند و مواد شیمیایی و فلزات سنگین داخل آن تا ۱۰ سال در آب باقی می‌ماند و طبیعا سلامت انسان را به خطر می‌اندازد. بر این اساس، دوستداران محیط‌زیست و شهروندان محله نظامی گنجوی برای

مقابله با آلودگی محیطی آن

مقابله با این آسیب‌ها به پوشش جمع‌آوری فیلترهای سیگار و مقابله با آثار زیست‌محیطی آن بپوستند و محل زندگی خود را از فیلترهای سیگار ره‌اشده روی زمین جمع‌آوری کردند. شهردار ناحیه ۵ منطقه ۶ با اعلام این خبر گفت: «بررسی‌های میدانی و علمی نشان داده که ره‌اسازی فیلتر سیگار در مکان‌های عمومی و طبیعت با خطرات و خساراتی همراه بوده و در برخی موارد نیز به آتش‌سوزی منجر شده است.»

مجید اردکانی افزود: «تعدادی از کشورهای جهان استعمال سیگار در مکان‌های عمومی را ممنوع کرده‌اند. در کشور ما چنین مقرراتی اتخاذ نشده است، بر این اساس تلاش می‌کنیم با مشارکت مردم بتوانیم ضمن تشویق افراد سیگاری به ترک عادت، از ریختن ته‌سیگار در طبیعت و مکان‌های عمومی جلوگیری کنیم.» به گفته شهردار ناحیه، در حاشیه این برنامه ضمن برگزاری کارگاه آموزشی کاشت نهال، ۱۳ اصله نهال صنوبر در فضای بوستان کاشته شد.

خبر
<div> <div><div> </div></div> <div>با پیگیری رئیس کمیته نظارت و حقوقی شورای شهر صورت می‌گیرد</div> </div>
تعیین تکلیف املاک واقع در حریم راه‌آهن؛ به‌زودی
<p>با پیگیری رئیس کمیته نظارت و حقوقی شورای شهر، تعیین تکلیف املاک حریم راه‌آهن به‌عنوان یکی از مطالبات دیرینه شهروندان ساکن در منطقه ۱۶ محقق می‌شود.</p> <p>رئیس کمیته نظارت و حقوقی شورای شهر در جلسه شورای معاونین منطقه ۱۶ تأکید کرد: «کمیته نظارت و حقوق شهروندی پیگیر مطالبات و معضلات شهروندان و کارکنان در منطقه ۲۲ گانه خواهد بود و اهتمام جدی در رفع درخواست‌ها خواهیم داشت.» مهدی اقراریسان افزود: «یکی دیگر از علل حضور در سطح مناطق این است که از نزدیک معضلات و مشکلات را پیگیری کنیم و در خصوص حریم راه‌آهن که دغدغه اصلی مردم منطقه است همین امروز مستقیماً با وزیر راه و شهرسازی تماس حاصل شد.» او اضافه کرد: «تمامی بازدیدها و ملاقات‌های خود را از نمازخانه‌ها و مساجد محلات شروع می‌کنیم و به‌پایان می‌رسانیم و اعتقاد داریم که مسئولین و مدیران باید بی‌واسطه و بدون پرور کراسی‌های اداری با کارکنان و شهروندان در فضاهای معنوی که در مساجد و نمازخانه‌ها وجود دارد بتوانند با آحاد مردم ارتباط برقرار کرده و معضلات آنها را به بهترین شکل ممکن برطرف سازند.» اقراری در جمع شورای معاونین منطقه ۱۶ گفت: «سرعت خدمت‌رسانی را باید به بهترین شکل افزایش بدهیم.»</p>

همین حوالی

راه‌اندازی ۱۱ پروژه شهری پس از ۱۰سال توقف

شهردار منطقه ۹ اجرای پروژه‌ها و طرح‌هایی خبر داد که باعث عمران و آبادانی محله‌ها و بهبود وضعیت ساکنان خواهد شد. شهردار منطقه ۹ با اشاره به مهم‌ترین اقدامات در حوزه شهرسازی و معماری یادآور شد: «در این حوزه ۱۱ پروژه مهم داشتیم که هر کدام به مدت ۱۰سال متوقف مانده بودند به همین دلیل با تشکیل کمیته پرونده‌های خاص شهرداری تهران به‌دنبال بررسی و حل مشکلات این پروژه‌ها اقدامات خوبی انجام شد.»

سیدمحمدحجیم مرتضوی افزود: «از این ۱۱ پروژه بزرگ‌ترین آن متعلق به پروژه سیستانیکا است که در بافت فرسوده محله هاشمی قرار دارد. با توجه به پیگیری و اقدامات انجام شده اخیراً مصوبه‌ای از کمیسیون ماده ۵ اخذ و پروانه ساختمانی جدیدی برای این پروژه جمعیتی صادر شده است.»

شهردار منطقه ۹ در ادامه به موفقیت در پرداخت ۱۰۰درصدی دیون به پیمانکاران نیز اشاره کرد و گفت: «در بحث پرداخت دیون به پیمانکاران تا پایان سال ۱۴۰۰ باید گفت که تمام دیون و مطالبات این منطقه به آنها از طریق تهاتر املاک، برات، ال سی و نقدی به پیمانکاران پرداخت شده است. در بحث بدهی سال جاری به پیمانکاران هم در سال ۱۴۰۱ مبلغ ۲۱۳میلیارد تومان بوده که تاکنون ۶۰درصد آن پرداخت شده و در تلاش هستیم که تا پایان سال ۴۰درصد باقیمانده بدهی‌ها را هم پرداخت کنیم.»



دومینوی کار خوب

در میوه‌فروشی آقارَسُول به نیازمندان نه نمی‌گویند

بهاره خسروی گزارش روزنامه‌نگار

ظهر یک روز سرد زمستانی، خیابان پر‌هیا‌هوی مخصوص در پازل یازدهم تهران، مغازه «حیدر اسلامی». میان اهل محل به آقارَسُول معروف است. در میوه‌فروشی آقارَسُول و خواهرزاده‌اش «رضا

از فروشندگی با وانت تا راه‌اندازی مغازه

آقارَسُول سر صحبت را باز می‌کند: «من از سن کم در همین صنف میوه مشغول کار بودم. در واقع از صفر و با کارگری شروع کردم تا به اینجا رسیدم. زمانی به وانت میوه می‌فروختم. از همان موقع سعی می‌کردم هوای مشتری‌ها را داشته باشم. معمولاً جنس‌های وانت مثل مغازه متنوع نیست. با این همه، اگر کسی را می‌دیدم که توان مالی خرید ندارد، از همان تعداد محدود میوه‌های وانت به نیازمندان هدیه می‌دادم. شاید مبلغ زیادی نبود یا همان مقدار میوه هم از سرمایه‌ام کم می‌کرد اما اصل ماجرا شاد کردن آدمی بود مثل دیگر آدم‌ها که آخر وقت یا هر زمان که قصد رفتن به خانه را داشت و متأسفانه هزینه‌های سنگین زندگی اجازه خریدن همان مقدار کم میوه را هم به‌ او نداده بود. گاهی وقت‌ها گرم کردن یک دل شرم‌زده پریشان با یک کار خیلی کوچک، حال چشنگی توی چشم ما آدم‌ها ایجاد می‌کند و همین، یک دنیا می‌ارزد.»

در شهر



دومینوی کار خوب

در میوه‌فروشی آقارَسُول به نیازمندان نه نمی‌گویند

بهاره خسروی گزارش روزنامه‌نگار

ظهر یک روز سرد زمستانی، خیابان پر‌هیا‌هوی مخصوص در پازل یازدهم تهران، مغازه «حیدر اسلامی». میان اهل محل به آقارَسُول معروف است. در میوه‌فروشی آقارَسُول و خواهرزاده‌اش «رضا

از فروشندگی با وانت تا راه‌اندازی مغازه

آقارَسُول اوایل کارش بی‌سر و صدا برای حفظ شأن و کرامت مشتری‌ها میوه رایگان به افراد نیازمندی که می‌شناخت هدیه می‌کرد تا اینکه این ماجرا به‌ باتوق‌های محلی و سراسری محله مخصوص درم می‌کند و آنها هم برای اینکه افراد بیشتری از این کار خیر بهره‌مند شوند به این کاسب می‌پیوندند: «وقتی مغازه را راه انداختم طبق روال سابق به نیازمندان در حد وسعم

کار مخفیانه‌ای که سرای محله رو کرد

آقارَسُول اوایل کارش بی‌سر و صدا برای حفظ شأن و کرامت مشتری‌ها میوه رایگان به افراد نیازمندی که می‌شناخت هدیه می‌کرد تا اینکه این ماجرا به‌ باتوق‌های محلی و سراسری محله مخصوص درم می‌کند و آنها هم برای اینکه افراد بیشتری از این کار خیر بهره‌مند شوند به این کاسب می‌پیوندند: «وقتی مغازه را راه انداختم طبق روال سابق به نیازمندان در حد وسعم

برکت کار خیر

کمک به دیگران و بازتاب کار خیر چرخه زنجیر‌ه‌واری دارد که در نهایت نتیجه آن به زندگی فرد نیکوکار برمی‌گردد. آقارضا در تکمیل صحبت‌های دایی‌اش ادامه می‌دهد: «بسیاری از مردم فکر می‌کنند وقتی کار خوبی انجام می‌دهند باید به‌سرعت اثرش را ببینند یا چون کار خوب انجام می‌دهند در زندگی به هیچ مشکلی بر نمی‌خورند. برای خودمان هم پیش آمده، برخی روزها حتی یک ریال ششت‌نکرده، به‌فردنیازمندکمک کرده‌ایم و نتیجه‌اش را دیده‌ایم. همیشه قرار نیست نتیجه کار خوب را فی‌الغور در یافت کنیم.»

چرا آخرین کدخدای یافت آباد محبوب بود؟

خان سالاری که جوړ دیگری زیست

گزارش رضانیکنام روزنامه‌نگار

مرحوم حاج «مهدی کلهر» معروف به «مهدی خان» آخرین خان و

خانه «مهدی خان» در خیابان شهید کلهر یافت‌آباد برای همه آشناست و به خوبی آن را می‌شناسند. در این خانه همیشه به روی اهالی باز بود و هر کس نیازی پیدا می‌کرد و یا به مشکلی بر می‌خورد امید داشت که اینجا به خواست‌اش برسد. خانه ویلایی مهدی خان، بسا راهرویی باریک و تو در تو به یک سالن پذیرایی می‌رسد. او با صدای اهل محل جلو می‌آمد و آنها را به داخل خانه دعوت می‌کرد و پسی حرف و درددل آنها می‌نشتت و برایش فرقی نمی‌کرد که مهمانش از اهل محل و آشنا باشد و یا هفت پشت غریبه. بر روی خوش از مهمان‌هایش پذیرایی می‌کرد و هیچ وقت به‌خاطر اصل و نسبش به خان‌زادگی از موضع بالا و به‌اصطلاح ارباب و رعیتی‌با کسی حرف نمی‌زد. آخرین باری هم که چند سال قبل خودمان برای دیدنش به یافت‌آباد رفتیم هم اینگونه بود - با اینکه نمی‌دانست که هستیم و چه می‌خواهیم با روی باز به استقبالمان آمد - انگار صدایش هنوز توی گوشمان است: «خیلی خوش

آمدید. بفرمایید داخل خانه.» یادمان نمی‌رود که موقع عبور از حیاط خانه از او پرسیدیم که در خانه را ببندیم؟ او جوابمان را اینگونه داد: «در خانه را هیچ وقت نمی‌بندم، همینطور باز می‌ماند.» می‌گفت این رسمی بوده که از مرحوم پدرش بر ارث رسیده و تا زنده است انجامش باریک و تو در تو به یک سالن پذیرایی می‌رسد. او با صدای اهل محل جلو می‌آمد و آنها را به داخل خانه دعوت می‌کرد و پسی حرف و درددل آنها می‌نشتت و برایش فرقی نمی‌کرد که مهمانش از اهل محل و آشنا باشد و یا هفت پشت غریبه. بر روی خوش از مهمان‌هایش پذیرایی می‌کرد و هیچ وقت به‌خاطر اصل و نسبش به خان‌زادگی از موضع بالا و به‌اصطلاح ارباب و رعیتی‌با کسی حرف نمی‌زد. آخرین باری هم که چند سال قبل خودمان برای دیدنش به یافت‌آباد رفتیم هم اینگونه بود - با اینکه نمی‌دانست که هستیم و چه می‌خواهیم با روی باز به استقبالمان آمد - انگار صدایش هنوز توی گوشمان است: «خیلی خوش

نیک روزگار نوشت: مردی که همچون خان و خان سالارهایی که در تاریخ آمده‌نست زیست و عمری را به خدمت و مر دمداری گذراند. کدخدایی که در بین مردم یافت‌آباد محبوبیت فراوانی داشت و تا آخرین ساعات حیاتش مورد احترام و توجه اهل محل بود.

آنها میانداری می‌کرد. او در سن ۱۱۰ سالگی دار فانی را وداع گفت و طبق وصیت‌نامه‌اش در شهر قم به خاک سپرده شد. «قاب عکس‌های دیگری هم بر در و دیوار خانه مهدی خان وجود داشت. در این‌باره نکته جالبی را برامان تعریف کرد: «در قدیم، عکاس خانوادگی داشتیم، خوب اینجا خانه کدخدا و خان یافت‌آباد بود و هر چیزی که فکرش را کنید ما داشتیم. خود من عکس‌های قدیمی زیادی داشتم که فرزندانم به‌عنوان یادگار با خود به خانه‌هایشان بردند و فقط این چند قاب عکس باقی مانده است.»

فرزندانم را با درشکه مدرسه فرستادم

مهدی خان، ۸ فرزند دختر و پسر داشت که سال‌هاست ادواج کرده و در نقاط مختلف خانه و زندگی دارند. او دربارۀ امکانات محل و حال و هوای ایام قدیم نکات جالبی را تعریف کرد: «امکانات قلعه یافت‌آباد در دوران پهلوی‌ها بسیار کم بود و به‌خاطر ضعف فرهنگی، بیشتر

نام نیک برای آخرین خان یافت‌آباد ماند

از ویژگی‌های بارز خان محله یافت‌آباد این بود که همیشه با کت و شلوار اتو شده و مرتب در محله حاضر می‌شد. در آخرین دیدار با او، کنار دیوار آجری کنار خانه‌اش رفتیم و مهدی خان در حالی روی صندلی نشسته بود که قاب عکسی از دوران جوانی‌اش را روی دیوار دیده می‌شد.

مرحوم مهدی خان کلهر در محله یافت‌آباد، مسجد، زورخانه و خیلی چیزهای دیگر برای رفاه و آسایش مردم ساخت و برای همین در همه‌جا از او به نیکی یاد می‌کنند. احسان موسوی درباره آخرین خان یافت‌آباد می‌گوید: «بیش از ۴۰سال مهدی خان را می‌شناختم. از وقتی که یاد دارم آدم دست به خیر و کار راه‌اندازی بود. شاید باور نکنید. در همین یافت‌آباد خودمان خیلی از آدم‌های بدبخت و بیچاره را خانه‌دار کرد. در طول سال چند نوبت به خانه سالمندان، و روغن و برنج می‌فرستاد. در ایام محرم و ماه رمضان به هیئت‌ها و مساجد کمک می‌کرد. خدار رحمتش کند.»



۱۱ چهارشنبه ۱۶ فروردین ۱۴۰۲ شماره ۸۷۴۲

یادداشت

سمیرا باباجانیپوره روزنامه‌نگار

بچه‌های این مسجد مدرک کارشناسی قرآن و حدیث می‌گیرند

طرح آموزشی «مدرسه در مسجد» طرح موفق است که سال‌هاست در برخی مساجد پایتخت به جد پیگیری می‌شود. مسجد جامع الزهرا(س) در شهرک آتی‌ساز از مجریان موفق این طرح است که از سال ۱۳۷۹ دانش‌آموزان در پایه‌های سوم تا هفتم را تحت آموزش دارد.

روش اجرای طرح «مدرسه در مسجد» در مسجد جامع الزهرا(س) شهرک آتی‌ساز با روش سایر مساجد متفاوت است. مدیر مدرسه مسجد جامع الزهرا(س) حضور مستمر دانش‌آموزان در مسجد و فعالیت در برنامه‌های فرهنگی و اجتماعی را از مهم‌ترین تفاوت دانش‌آموزان این مسجد بیان می‌کند و می‌گوید: «دانش‌آموزان ما در طرح «مدرسه در مسجد» طی این سال‌ها توانسته‌اند موفقیت‌های زیادی کسب کنند.»

مهم‌ترین نکته در موفقیت دانش‌آموزان این است که کلاس‌های این مسجد با فعالیت مستمر دانش‌آموزان برگزار می‌شود و جالب آنکه اکثر این دانش‌آموزان و والدین آنان از نمازگزاران ثابت مسجد جامع الزهرا(س) هستند.

محمدصادق حق‌شناس درباره روش فعالیت این مسجد می‌گوید: «دانش‌آموزان پس از پایان دوره تحصیل در مسجد جامع الزهرا(س) شهرک آتی‌ساز، مدرک معادل کارشناسی (لیسانس) رشته قرآن و حدیث را دریافت می‌کنند و قطعاً همین موضوع انگیزه‌ها را برای حضور در این مدرسه بیشتر کرده است.» امتیاز اعطای این مدرک به گفته حق‌شناس پس از سال‌ها رابزنی با وزارت علوم و ارائه مدارک مستند از فعالیت‌های کاملاً حرفه‌ای و تخصصی این مسجد در حوزه آموزش‌وپرورش، دریافت شده است.

نکته دیگر درباره امتیازات مدرسه مسجد جامع الزهرا(س) این است که دانش‌آموزان باید یک زبان خارجی، انگلیسی و عربی را به‌صورت کامل یاد بگیرند و در صورت علاقه‌مندی می‌توانند زبان سوم را نیز بیاموزند.

اکنون ۱۲۰ دانش‌آموز در کلاس‌های مسجد جامع الزهرا(س) شرکت می‌کنند که ۸۰ نفر از برادران و ۴۰ نفر نیز از خواهران هستند.



کار خوب نصیبه سجادی؛ روزنامه‌نگار

از تئاتر درمانی تا حضور در کارگاه‌های آموزشی رایگان

مشاوران دلسوز فراموز

سال‌هاست چند پزشک استاد دانشگاه به همراه دلسوزانی دیگر دور هم جمع شده و مراکزی را ایجاد کرده‌اند در همه جای تهران، مخصوص کودکان ۶ تا ۱۲ساله، دختر و پسر، تا مهارت‌های رفتاری را به آنها آموزش دهند. به این ترتیب، بچه‌ها آموزه‌هایی را یاد می‌گیرند تا در برخورد با مسائلی که هر روز در زندگی با آن روبه‌رو می‌شوند، بدانند باید چگونه عمل کنند تا هم خودشان آسیب نبینند و هم بالطبع آسیب کمتری هم به جامعه‌وارد کنند.

مرکز فراموز منطقه ۶در خیابان سیدجمال‌الدین اسدآبادی خانه‌ای است گرم و پرپار که سال‌هاست مریمان دلسوز آن به رایگان مهارت دوست‌یابی، کنترل خشم و هیجان، مسئولیت‌پذیری، ادب معاشرت، تغذیه سالم، پیگیری از اعتیاد، رفتار جرات‌مندانه، پرورش خلاقیت، کنترل هوش هیجانی، پرهیز از تخریبگری و... را در دوره‌های متوالی به کودکان یادآوری می‌کنند تا به تدریج در وجودشان نهادینه و طوری عملیاتی شود که وقتی در نوجوانی یا جوانی در میان گروه‌های همسن و سال قرار گرفتند و کاری خلاف سلامت روح و روانشان از آنها درخواست شد به پشتوانه همان آموزه‌ها خجالت و شرم را کنار بگذارند و جرات‌مندانه، از خود دفاع و آسیب‌ها را از خود دور کنند.

به نمونه‌ای از شیوه ارائه این مهارت‌ها هم اشرارای کنیم؛ دانش‌آموزان یکی از مدارس پسرانه که همراه معلم‌شان به این خانه آمده‌اند، در حال تعاشای نمایشی هستند که کودکی خجالتی را نشان می‌دهد که نمی‌تواند ساده‌ترین حشش را بگیرد و در دومی رنگ و سر و زبان‌دار با دایره وارگان بسیار است که در نمایش گفته می‌شود به‌خاطر کتاب خواندن زیاد است. تئاتر کودکانه اجرا می‌شود و با زبان نمایش به بچه‌ها می‌گوید که چگونه حرف بزنند، حق‌شان را بگیرند و اگر کسی خواسته‌ای نامعقول از آنها داشت، کجا بروند و باقی ماجرا.

فاطمه متین‌خواه، یکی از مشاوران دلسوز این خانه می‌گوید: «در کارگاه‌هایی که برگزار می‌کنیم، مثل کارگاه تئاتر، اتاق علمی، انیمیشن، بازی و... به بچه‌ها آموزش‌های عزت‌نفس و «نه» گفتن می‌دهیم تا اگر در گروه همسال‌قرار گرفتند به‌خاطر اعتمادبه‌نفسی که پیدا کرده‌اند کاری آسیب‌زا را که دوستانش می‌گویند انجام ندهند و از آنجا خارج شوند.»

او اضافه می‌کند: «مادرانی که فرزندان‌شان را اینجا آورده و متوجه تغییرات مثبت در روحیه و رفتار فرزندان‌شان شده‌اند، بعد از تئاتر همین‌اين خانه را راه‌نکرده و حتی تابستان‌ها هم در اردوها و کارگاه‌های مشترکت می‌کنند.»

